



توسط ماهواره‌بر روسی «سایوز» از پایگاه بایکونور صورت گرفت؛

پر تاب ماهواره ایرانی «خیام» به فضا

چهارشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۱ - ۱۲ محرم ۱۴۴۴ - ۱۰ آگوست ۲۰۲۲

شماره

روزنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران



مسعد سلیتی؛ وکیل دادگستری در گفتگو با همدلی مطرح کرد

دستورالعمل نام؛ چالشی برای انتخاب اسم فرزند

سال هفتم - شماره ۱۹۹۴ - ۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان

گزارش همدلی از تلاش‌ها برای پس گرفتن طرح کمیسیون اجتماعی مجلس

مخالفت روانشناسان به اعطای مجوز مشاوره به حوزه

۱

بررسی پیامدهای تلاش مجلس برای دشوارتر کردن طلاق

اصلاح قانون مهریه؛ به نفع مردان؟

۲

نگرانی اعضای شورای امنیت درباره وضعیت غزه

۳

تکذیب ترور امام(ره)، توسط وزارت اطلاعات

۴

نتایج پاسکاری اجرای قوانین ساماندهی بازار از وزارت صمت به جهادکشاورزی و سازمان حمایت؛

از تونل وحشت گرانی تا تعطیلی واحدهای تولیدی

۵

پس از پنج روز مذاکرات کارشناسی میان هیات‌ها

برجام در انتظار تصمیم پایتخت‌ها

همدلی | پس از پنج روز مذاکرات کارشناسی و سیاسی میان هیات‌های مذاکره‌کننده ایران و آمریکا که به‌صورت غیرمستقیم و با هماهنگی نماینده اتحادیه اروپا در وین انجام شد، مذاکره‌کنندگان با تفسیر و تعبیر متفاوتی وین را به مقصد پایتخت‌هایشان ترک کردند. این مذاکرات بر سر دو سه موضوع باقی‌مانده در رابطه با رفع تحریم‌ها، مسائل پادمانی میان ایران و آژانس و تضمین عدم خروج یک‌جانبه آمریکا از پنجشنبه هفته گذشته در هتل کوبورگ وین و پس از پنج



مقایسه اوضاع کشور با شرایط جنگ جهانی اول و دوم در گفتگوی مهدی مطهرنیا با همدلی

ایران در وضعیت مخاطره‌است

۲



روایتی تلخ از وضعیت منابع آب کشور چیست اطلاع ملت و نگاه ملت

مدیریت آب مقصر است نه خشکسالی!

۵

یادداشت

رخساده‌دقیان - با فرار و سقوط دولت اشرف‌غنی در افغانستان و تسخیر توطئه‌گونه شهرهای این کشور توسط طالبان، برخی از تحلیل‌گران همیشه مدعی به‌جای خوانش دوباره تاریخ شکل‌گیری نیروهای طالبان و دقت به موضع‌گیری آنان در سال‌های گذشته و بدون ارائه کوچک‌ترین سند مکتوب و تصویری، خیر از «تعبیر» طالبان دانند. حذف تاریخ رسمی نوروز و عاشورا در تقویم رسمی کشور افغانستان و جلوگیری از مراسم عزاداری شیعیان به مناسبت شهادت امام حسین (ع) در ولایت‌های این کشور، مرا واداشت تا برای سخن‌گویان همیشه توجیه‌گر و آنان که به تاریخ اهمیت نمی‌دهند، بخش کوچکی از تاریخچه طالبان را بر اساس مستندترین منبع مکتوب فارسی بازخوانی کنم. کتاب «افغانستان و پنج سال حکومت طالبان» به قلم وحید مزده، یکی از چهره‌هایی که در طول حکومت طالبان در سمت‌های مختلف وزارت امور خارجه فعالیت داشته و در سال ۹۸ به‌صورت رموز نزدیک منزلش ترور شد برای آشنایی بهتر با افکار این گروه شبه‌نظامی بسیار کارساز است. کتاب در سال ۱۳۸۲ و توسط نشر نی منتشر شده است، اما اطلاعات موجود در کتاب برای درک وضعیت و تحلیل شرایط امروز افغانستان کاربردی و بسیار مفید است. مزده مدعی است وقتی طالبان توانست تغییرات زمان را برای اجرای کردن تصمیمات در ساختار قدرت درک کند و نیازهای حکمرانی را با اعمال تغییرات پویا نگاه دارد، به‌سرعت سقوط کرد. آن‌ها خود را در حصار از پندارهای ناهمساز با شرایط زمان محصور و تجدید کردند و در دو جبهه-هم با مردم خود و هم با جامعه جهانی- درگیر جنگ شدند (ص ۱۴). این بخش از سخن نویسنده بیش از آنکه حامل نقد باشد، نشانه‌هایی از دلسوزی را نیز در خود دارد، به‌هر حال ما با متن و کتلی‌رو روپرو هستیم که نگاه‌نده آن وابستگی‌های زیادی با ساختار قدرت طالبان داشته است، بنابراین طبیعی است که در بخش‌هایی از کتاب با نقد و در قسمت‌هایی با افسوس از دست دادن زمان توسط نیروهای طالبان روپرو شویم. مزده معتقد است که طالبان با پذیرش تغییرات و اهمیت دادن به مردم و دوری از ستیز با سایر قدرتها، می‌توانست اهرم قدرت را در دست بگیرد.

نویسنده درباره رابطه طالبان و غرب و نزدیکی این گروه با کشورهای دیگر می‌نویسد: طالبان در سال ۱۹۹۵ روابط حسنه‌ای با اروپایی‌ها و آمریکا داشتند و از سویی دیگر هم‌زمان حمایت‌های پاکستان را نیز داشتند. (ص ۲۷) برخلاف تصویری مخدوش و دستکاری‌شده که طی روزهای گذشته توسط رسانه‌های خارجی به مخاطبان ارائه شده و می‌شود، رابطه طالبان به‌عنوان نیروهای جهادی و اهرمی که می‌توانست قدرت اتحاد جماهیر شوروی را در خاک افغانستان با چالش عمده روپرو کند، از زمان شکل‌گیری و گام برداشتن بنسوی تسخیر افغانستان در دهه هشتاد و نود میلادی با جهان غرب بسیار خوب بوده است. در واقع طالبان اسلحه‌های پر قدرت بود در دست‌های آمریکا، نیرویی بود که به‌صورت نیابتی سایر نیروهای جهادی را از سرتاسر پاکستان، عربستان سعودی، افغانستان، اردن، تاجیکستان، ازبکستان، چین و حتی چین را جذب خود کرده بود؛ بنابراین تاریخی که علیه غرب اقدامی نکرده بود و به مخالفان قسم‌خورده آمریکا مانند القاعده پناه ندهد بود، مورد حمایت قرار می‌گرفت؛ بنابراین، همه عواملی که امروز به‌عنوان خطر از جهان اسلام از جانب آمریکا و غرب عنوان می‌شود، در آن زمان نادیده گرفته می‌شد و حتی حمایت و تقویت می‌گردید. (ص ۵۷) در واقع دنیای غرب طالبان را تنها برای بیرون راندن ارتش سرخ قره ساخت و مهم‌تر آنکه چشم‌انداز را در برابر سرازیر شدن دل‌آزای عربستان سعودی و خرج کردن آن از سوی بن‌لادن برای سایر نیروهای جهادی در افغانستان را نادیده می‌گرفت. مزده نیز مانند بشیراحمد انصاری، نویسنده کتاب «مذهب طالبان» آنان را خوارچ جهان معاصر می‌داند. او خوارچ از چنین معرفی می‌کند: افرادی که از کثرت نماز بردن پیشانی پینه‌بسته داشتند، اما در هیچ زمینه‌ای تغییر نمی‌کردند. (ص ۵۲) از همین‌رو، طالبان نظام اداری دولت را دارای تشکیلاتی اکثرا زیاد و بی‌نظم تلقی می‌کردند. (ص ۴۶) همین تلقی باعث شد که طی پنج سال حکومت طالبان آنان لباس یونیفرم بر تن نیروهای نظام خود نکنند و همچنان با برداشت سطحی که از تعلیم دینی داشتند، دستار را بخشی جندانند. از آموزه‌های دینی تلقی کنند. (ص ۴۴)

کشور بسیار هولناک است. (ص ۸۱) چرا که نویسنده جزیه‌بزه‌چیزه‌نشان می‌دهد که چگونه و بر اساس کدامین برداشت طالبان ابتدا مجسمه‌های موزه ملی افغانستان را تخریب کردند و سپس به سمت بمباران مجسمه‌های بودا رفتند. طالبان بدون شناخت و دانستن ارزش آثار باستانی و پس از گشودن درهای موزه ملی افغانستان؛ در موزه را باز کردند و آن گروه درحالی که هر یک وسیله‌ای برای شکی در دست داشتند ال‌ف‌اکبر گویان به جان مجسمه افتادند. (ص ۸۷)

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

مردم‌سالاری؛ از جنبش مشروطه تا انقلاب اسلامی

علی کامرانی - برخی روزها و سال‌ها برای هر ملتی روزهای بزرگ و خاص و به تعبیری «قطعه عطف» در تاریخ آن ملت هستند. نقطه عطف در تاریخ هر ملت، یعنی اتفاقی که در سرنوشت و حوادث بعدی زندگی آن ملت تاثیر جدی و نقش اساسی داشتند. یکی از این نقاط عطف در تاریخ ملت ایران که فرازونشیب‌های بسیاری نیز داشته است؛ روز چهاردهم مرداد سال ۱۲۸۵ هجری خورشیدی است. در چنین روزی برای اولین بار در تاریخ ایران، حکومت سلطنتی مطلق، با تاریخ چند هزارساله سلاطین موروثی و مطلق‌النعان، پذیرفت تا وارد به پذیرش این مهم شد که ملت از هر زبان، نژاد، قومیت، دین و مذهبی که باشد، فقط به‌واسطه انسان بودن و ایرانی بودن دارای حق برابر در تعیین سرنوشت خویش است. در چنین روزی سلطان وقت مظفرالدین شاه قاجار این حق را به‌صورت قانونی و طبق یک قرارداد اجتماعی در میثاق‌نامه‌ای بین ملت و حکومت تحت عنوان منشور ملی «قانون اساسی» به رسمیت شناخت و امضا کرد. روز بزرگ و تاریخی ۱۴ مرداد در تاریخ نوین ملت ایران، پیامدها و سرنوشت تلخ و شیرینی را برای آزادیخواهان، طرفداران مشروطه، تحول‌خواهان، نواندیشان، دموکراسی‌خواهان و حق‌طلبان رقم زد. شادی ناشی از پیروزی آزادیخواهان، منورالافکاران رنگ‌بغی‌دین و روحانیون نواندیشی چون میرزا یونس نائینی در مشروطه اول و استقرار مجلس شورای ملی، با توطئه همدستی ملثث شوم (استعمار خارجی، استبداد داخلی و ارتجاع مذهبی) به تلخی انجامید؛ استعمار خارجی روسیه و استبداد وابسته داخلی محمدعلی شاه قاجار و تاجر و جمود دینی آن روزهای نمادهای این ملثث بودند. همدستی این سه گروه در واقع به توب بسته شدن مجلس شورای ملی توسط لایخوف روسی به‌خوبی دیده شد. مجاهدت ملت آزادیخواه ایران و به‌ویژه رشادت‌های سرداران آذری و لر‌های بختیاری و دیگر مناطق این کهن سرزمین، باعث پیروزی مشروطه خواهان و استقرار مجلس شورای ملی و دمیدن روح تازه در کالبد قانون اساسی شد. دلیلی دیگری نباید که این بار استعمار پیر انگلیس سدش را با چهره جمهوری‌خواهی از استئین رضاحان میرپنج و با بدترین شکل یعنی کودتای سوم اسفند سال ۱۲۹۹ هجری خورشیدی، بیرون آورد و بزرگ‌ترین ضربه را بر پیکره مشروطه‌طلبی زد و با توطئه‌های عجیب و ترافدی بسیار پیچیده که -هنوز هم ابعاد آن به‌طور کامل روشن نشده است- استبداد رضاشاهی را جایگزین حرکت مشروطه‌خواهی مردم ایران کردند. اتفاقی که بزرگ‌ترین ضربه بر پیکره آزادیخواهی، قانون‌گرایی، دموکراسی‌طلبی و مردم‌سالاری بود. چنانچه اگر به‌صورت دقیق و با روش علمی تحقیق تاریخ به بررسی منابع و اسناد تاریخی و واکاوی «علل و چگونگی انحراف مشروطیت» یا همان برافکنان قاجاریه و برآمن پهلوی پرداخته شود، عمق فاجعه و نقش اصلی دولت استعماری انگلیس با همدستی برخی از روشنفکران مزدور و لیبرال و متحجرین سنتی را به‌وضوح می‌توان دید. کمی جلوتر و با بررسی نهضت ملی شدن صنعت نفت، بار دیگر جدال و رقابتی مستقیم و نفس‌گیر بین آزادیخواهان و طرفداران استقرار قانون و مردم‌سالاری از یک‌سو و استعمار خارجی و استبداد داخلی از دیگر سو، در گرفت و به‌رغم پیروزی‌های آغازین جبهه ملی که متشکل از نیروهای ملی‌گرا به رهبری دکتر محمد مصدق و مذهبی‌ها به رهبری آیت‌الله کاشانی و دیگر تحول‌خواهان و روشنفکران بود، با نقشه شوم استعماری دولت انگلیس و همراه نمودن آمریکایی‌ها و با بهره‌گیری از جهل داخلی و لمین‌های وابسته به دربار پهلوی (شعبان بی‌مخ جعفری و دارودسته‌اش) و مارکسیست‌های وابسته به شوروی که با هوچگری و ایجاد ناامنی بهانه به دست کودتاچیان داده و زمینه را برای ضربه زدن به دولت مردمی دکتر مصدق فراهم آوردند و کودتای انگلیسی-آمریکایی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ هجری خورشیدی بار دیگر دموکراسی‌خواهی و استقلال‌طلبی ضربه‌ای مهلک از استبداد داخلی و استعمار خارجی و لمین‌های داخلی و مزدوران وابسته به بیگانه متحمل شد. در برهه حساس و مهم دیگری از تاریخ معاصر ایران، یعنی انقلاب اسلامی بار دیگر طرفداران حکومت مردمی، آزادیخواهان و استقلال‌طلبان عدالت‌خواه، موفق به تشکیل یک نظام مردم‌سالار شدند، ولی متأسفانه استعمار خارجی و برخی گروه‌های مسلح از یک‌سو و متحجرین متظاهر به دین‌داری از دیگر سو؛ حکومت منبعث از آرای ملت را برنابیندند و با تحمیل جنگ و ایجاد انواع و اقسام آشوب‌ها، بحران‌ها، نظام نپوای برآمد از نظر مردم و انقلاب بزرگ سیاسی-اجتماعی آن دوران را از مسیر اصلی خود منحرف ساخته و بار دیگر مهم‌ترین محصول انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی سال ۱۲۵۷ هجری خورشیدی یعنی «دموکراسی خواهی» را به محاق بردند. اما، آنچه در این برهه و پس از گذشت چندین اتفاق بزرگ سیاسی اجتماعی در تاریخ ایران، مهم می‌نماید و ضرورت پاسداشت آن احساس می‌شود، تقویت روح مردم‌سالاری و قانون‌گرایی است که در ذهن و قلب هر ایرانی وجود داشته و ۱۴ مرداد هرسال با گرامیداشت آن و آسایش‌شناسی جدی و عملی آن، حادنه، موبوت‌ن از حرکت تاریخی را دگرباره روشن کرده و حیاتی دوباره به «جمهوریت» و جریان دموکراسی خواهی بخشید.

یادداشت

مدیریت اجرایی در گرداب نظارت‌های خودساخته

حسن دادخواه - بی‌گمان دانش و علم مدیریت پیشرفته در بردارنده توصیه‌ها و پیشنهادهای مفیدی برای سوهند کردن فرآیندهای مدیریتی در سازمان‌هاست. این فرآیندها، در مراحل تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرایی با هدف به نتیجه رسیدن و سودآور بودن کوشش‌ها، طراحی شده است. مقصود از سازمان، مجموعه‌هایی است که با هدف ویژه و با سرمایه‌های محدود تشکیل شده است تا در مدتی محدود و با بهره‌گیری از سرمایه‌ها، به اهداف سازمانی برسد. بزرگ‌ترین سازمان، وجود یک ملت و دولت و با جمعیت میلیونی از شهروندان است که قرار است بر اساس قانون کشوری و تعامل با جهان به اهداف خود برسد. در این سازمان بزرگ، همان توصیه‌های علم و دانش مدیریت پیشرفته، ساری و جاری و قابل استفاده است. فرآیندهای سازمان بزرگ دولت و ملت باید چنان روان و ساده و استوار باشد که بدون هدر دادن انرژی و توان مدیران، ضمن بهره‌گیری از سرمایه‌ها، در کوتاه‌ترین مدت، ملت را به مقصود و آرمان‌ها و اهداف تعیین‌شده برساند. برای نمونه می‌توان یک سازمان کوچک در این سازمان بزرگ و فرآیندها و دشواری‌های رسیدن به اجرا را در آن مورد واکاوی کرد. دادوزیر علوم، تحقیقات و فناوری از سوسی رییس جمهور برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شود. چنان چه رأی اعتماد به دست آورد باید روسای دانشگاه‌ها را به شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تأیید، معرفی کند. برنامه‌های کلان وزارت نیز باید به تأیید کمیسیون آموزش عالی مجلس شورای اسلامی برسد. با شروع کار وزیر، لزوم تعامل ایشان با سازمان برنامه‌بودجه برای تأمین بودجه آغاز می‌شود. از سوی دیگر، شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، به‌عنوان یک نهاد بالادستی بر عملکردهای این وزارت هم تعیین تکلیف می‌کند. هم در کنار شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس بر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نظارت می‌کند و قانون‌گذاری می‌کنند. تعامل با معاونت علمی ریاست جمهوری در حوزه فناوری و تعامل با نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در حوزه فرهنگی و تعامل با چند دستگاه دیگر در حوزه آموزشی و تعامل با نهادهای سیاسی و کلاهی دادگستری بودند، می‌گوید: «از همگی شما می‌خواهم شغلی دیگر برای اعاشه زندگی انتخاب کنید تا مجبور نباشید برای تأمین هزینه‌هایتان، هر پرونده‌ای را بپذیرید». در سال‌هایی دورتر و دیرتر از این، همواره یادداشت‌هایی که به بهره‌رزان خبرنگار می‌نوشتند، در خود رنگه‌هایی از غم و اندوه جاری می‌فعلان صنم؛ یعنی روزنامه‌نگاری و خبرنگاری را داشت. امسال اما بیش از بقیه روزهای «خبرنگار» در سال‌های گذشته خوشحالم و سربلند چون می‌توانم با روح بلند روانشاد کاتوزیان لحنطانی را مشغول کنم و به این استاد عزیز بگویم: «ای معلم بزرگ علم حقوق؛ شاید این آرزویت که همه و کلا شغلی دیگر برای خودشان دست‌پا کنند تا از غم نان مجبور نباشند هر پرونده‌ای را به‌عنوان وکیل پذیرند، به خاطر این خدمت بزرگ که همیشه قدرانی می‌کنیم؟

یادداشت

به نصیحت استاد کاتوزیان عمل کردیم

علی نامجو - امروز حرف زدن از اینکه روزنامه‌نگاران به‌عنوان مبدانین حق و آزادی حداقل حقوق مصوب اداره کار را دریافت نمی‌کنند، برای کسی جذاب است؟ شنوندگان و خوانندگان مطلبی با این محتوا احتمالاً می‌خندند و می‌پرسند: «مگر چنین چیزی اصلاً ممکن است» و در مقابل مدیران و مسئولان و دست‌اندرکاران دولتی و خصوصی در حوزه مطبوعات هم لبخندی مدبرانه و کریمانه بر لبان خود جاری می‌کنند و می‌گویند: «ما قدردان همه زحماتی که شما می‌کشید، هستیم اما چه کنیم که دست‌پا‌ملمان بسته است». از آن سوی، خودبزرگ‌بینان می‌بایه ما را نصیحت می‌کنند که نکنند. قل‌م‌را به متاعی بی‌مقدار بفرشید؛ اما اگر نپایه نصیحت است، چه خوب که پنداستادان را به گوش بیاویزیم. ما این وضع من یک پیشنهاد ویژه دارم؛ که با بهره‌گیری از آن‌هم ما به‌عنوان روزنامه‌نویس و خبرنگار می‌توانیم بادی به غیغ بیندازیم و از یک انتخاب حکیمانه، دم‌بزنیم و هم مدیران و دست‌اندرکاران مطبوعات مورد تشویق و تکریم قرار بگیرند. روانشاد امیرناصر کاتوزیان؛ استاد مسلم حقوق که به تعبیر سید مصطفی محقق داماد «علم حقوق را در ایران پدر و مادر کرد»، خطاب به وکلای دادگستری نصیحتی دارد بسیار شنیدنی؛ او در محفلی که میهمانش همگی وکلای دادگستری بودند، می‌گوید: «از همگی شما می‌خواهم شغلی دیگر برای اعاشه زندگی انتخاب کنید تا مجبور نباشید برای تأمین هزینه‌هایتان، هر پرونده‌ای را بپذیرید». در سال‌هایی دورتر و دیرتر از این، همواره یادداشت‌هایی که به بهره‌رزان خبرنگار می‌نوشتند، در خود رنگه‌هایی از غم و اندوه جاری می‌فعلان صنم؛ یعنی روزنامه‌نگاری و خبرنگاری را داشت. امسال اما بیش از بقیه روزهای «خبرنگار» در سال‌های گذشته خوشحالم و سربلند چون می‌توانم با روح بلند روانشاد کاتوزیان لحنطانی را مشغول کنم و به این استاد عزیز بگویم: «ای معلم بزرگ علم حقوق؛ شاید این آرزویت که همه و کلا شغلی دیگر برای خودشان دست‌پا کنند تا از غم نان مجبور نباشند هر پرونده‌ای را به‌عنوان وکیل پذیرند، به خاطر این خدمت بزرگ که همیشه قدرانی می‌کنیم؟